



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده هنر

گروه پژوهش هنر

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته: پژوهش هنر

عنوان:

نشانه شناسی شناختی هنر تصویری کودک ک در رویکرد ویگوتسکی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر فرزاد سجودی

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر آزیتا افراشی

نگارش:

جیران علیانسیب

سال تحصیلی:

۱۳۸۸-۸۹

چکیده

این پژوهش با نگاهی به نشانه‌شناسی و شناخت‌شناسی آغاز می‌شود و سپس به طرح مسئله‌ی نشانه‌شناسی در هنر می‌پردازد و در این راستا از روش‌شناسی ویگوتسکی^۱ در خصوص نشانه‌های واسطه‌مند به عنوان منشأ شکل‌گیری اندیشه و شناخت انسان از جهان بهره گرفته و دیدگاه وی در مورد تحلیل روان‌شناختی هنر بررسی می‌شود، به این لحاظ هنر به مثابه‌ی یک نظام پیچیده‌ی نشانه‌ای مورد توجه قرار گرفته که از ساختارهای فرهنگی - اجتماعی منشعب می‌شود که در هر دوره‌ی تاریخی از دلالت‌های متفاوتی برخوردار است، سپس نحوه‌ی شکل‌گیری تصاویر استعاری در ذهن بررسی شده و انگیزه، به عنوان عامل اساسی در شکل‌گیری مفاهیم استعاری و محتوای ناخودآگاه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ سرانجام از طریق نشانه‌شناسی تصویری در نقاشی‌های کودکان محتوای تصاویر استعاری آن‌ها تحلیل می‌شود تا نتیجه‌ی حاصل در خصوص نقش تصاویر هنری کودکان به مثابه‌ی نظام نشانه‌ای پیچیده از شناخت کودک نسبت به محیط، اجتماع، فرهنگ تبیین گردد.

کلیدواژگان: نشانه‌شناسی، شناخت‌شناسی، ویگوتسکی، تصویراستعاری، هنر

1. L.Vygotsky

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	ج

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه.....	۱
۱-۲- طرح مسئله.....	۲
۱-۳- چارچوب نظری تحقیق.....	۴
۱-۴- سؤال و فرضیه‌ی تحقیق.....	۵
۱-۵- اهداف تحقیق.....	۵
۱-۶- کاربردها.....	۵
۱-۷- ویژگی‌های جدید و نوآوری طرح.....	۶
۱-۸- روش انجام تحقیق.....	۶
۱-۹- جامعه‌ی آماری و تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری.....	۶

فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱- مقدمه.....	۸
۲-۲- طرح مسئله‌ی شناخت‌شناسی با رویکردی بر روان‌شناسی و نشانه‌شناسی ساختارگر.....	۸
۲-۳- گذر از نشانه‌شناسی به شناخت‌شناسی.....	۱۶
۲-۴- نظریه‌ی معاصر استعاره‌ی لیکاف.....	۱۹
۲-۵- تأثیر ویگوتسکی از فرمالیست‌ها در روان‌شناسی هنر.....	۲۳
۲-۶- رویکرد ویگوتسکی به ناخودآگاه در تقابل با نظریه‌ی فروید و یونگ.....	۲۶
۲-۷- جمع‌بندی.....	۳۰

فصل سوم: چارچوب نظری تحقیق

۳-۱- مقدمه.....	۳۲
۳-۲- تحول روان‌شناسی در دوره‌ی ویگوتسکی.....	۳۲

۳-۳	نظریه‌ی سیستم‌ها و رشد مفاهیم در کودکان	۳۴
۳-۴	رشد مفاهیم در کودکان با توجه به نظریه‌ی ویگوتسکی	۳۷
۳-۵	آزمون مهره‌های ویگوتسکی	۴۰
۳-۶	تصویر درونی در زبان براساس تحول مکانیسم اندیشه‌ی انسان	۴۵
۳-۷	نقش عاطفه و تخیل در روان‌شناسی هنرو ویگوتسکی	۴۹
۳-۸	انگیزه و استعاره از دیدگاه ویگوتسکی	۵۴
۳-۹	نقاشی به مثابه‌ی پیش تاریخ زبان نوشتاری	۵۷
۳-۱۰	جمع بندی	۶۲

فصل چهارم: مطالعه‌ی موردی

۴-۱	مقدمه	۶۵
۴-۲	ماهیت تصاویر استعاری	۶۵
۴-۳	نشانه‌شناسی شناختی در نقاشی کودکان	۶۸
۴-۴	جمع بندی	۹۵

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۵-۱	مقدمه	۹۷
۵-۲	پاسخ به سؤال پژوهش و محک فرضیه	۹۸
۵-۳	پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی	۱۰۰
	فهرست منابع فارسی	۱۰۱
	فهرست منابع انگلیسی	۱۰۴

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۳) مرحله‌ی جهت‌گیری عمل به مفهوم و بالعکس ۳۹
- نمودار (۲-۳) مراحل شکل‌گیری ادراک کودک ۴۰
- نمودار (۳-۳) ساختار سه‌وجهی استعاره ۴۶
- نمودار (۴-۳) تبدیل ساختار سه‌وجهی استعاره به نهاد و گزاره ۴۷
- نمودار (۵-۳) ساختار سه‌وجهی استعاره ۴۷
- نمودار (۶-۳) تبدیل ساختار سه‌وجهی استعاره به نهاد و گزاره ۴۷
- نمودار (۷-۳) تضاد عواطف عامل شکل‌گیری تصویر ۵۳
- نمودار (۸-۳) عوامل مؤثر در ساخت تصاویر استعاری ۶۲
- نمودار (۱-۴) کارکرد ساختار استعاری در اشکال هندسی ۶۸

فهرست تصاویر

۷۵	تصویر (۱)
۷۶	تصویر (۲)
۷۷	تصویر (۳)
۷۸	تصویر (۴)
۷۹	تصویر (۵)
۸۰	تصویر (۶)
۸۱	تصویر (۷)
۸۲	تصویر (۸)
۸۳	تصویر (۹)
۸۴	تصویر (۱۰)
۸۵	تصویر (۱۱)
۸۶	تصویر (۱۲)
۸۷	تصویر (۱۳)
۸۸	تصویر (۱۴)
۸۹	تصویر (۱۵)
۹۰	تصویر (۱۶)
۹۱	تصویر (۱۸)
۹۲	تصویر (۱۹)
۹۳	تصویر (۲۰)

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

موضوعی را که برای این پژوهش تحت عنوان « نشانه‌شناسی شناختی هنر تصویری کودک در رویکرد ویگوتسکی » انتخاب نموده‌ام، به یک باره در ذهن من ایجاد نشد، بلکه در پس این موضوع پرسش‌ها و مسائل بسیاری برایم مطرح گشت که سرانجام مرا به سوی این پژوهش سوق داد، یکی از این مسائل در مورد تفاسیر مختلفی بود که در هر دوره‌ی تاریخی نسبت به آثار هنری صورت می‌گرفت به این لحاظ هر یک از مفسران هنری پیرو ایدئولوژی خاصی بودند که هیچ‌گونه بنیان علمی نداشت و منتقد هنر، براساس ایدئولوژی خود به نقد و بررسی آثار هنری می‌پرداخت، اما هنگامی که با آثار روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی هنر ویگوتسکی آشنا شدم؛ متوجه مبادرت وی در خصوص تحلیل عینی در روان‌شناسی آثار هنری گشتم و با توجه به رویکرد ویگوتسکی به این موضوع پی‌بردم که تفسیر آثار هنری صرفاً به واسطه‌ی ذهنیت آفریننده‌ی اثر و مخاطب اثر کافی نیست، در واقع ویگوتسکی با در نظر گرفتن آثار هنری به مثابه‌ی نظام پیچیده‌ی نشانه‌ای و فن اجتماعی احساسات به این نتیجه رسید که تحلیل روان‌شناختی آثار هنری تنها بواسطه‌ی خود اثر امکان‌پذیر است. بنابراین یکی از راه‌های ورود به شناخت‌شناسی، توجه به نشانه‌شناسی آثار هنری می‌باشد، از طرفی دیگر با مطالعه‌ی مباحث مربوط به هنردرمانی کودکان به این موضوع واقف شدم که نشانه‌شناسی هنر تصویری کودکان می‌تواند از طریق شناخت‌شناسی آن‌ها به جنبه‌های درمانی دست‌یابد و به رشد کودک یاری رساند، آنچه که فقدان آن در زندگی کودکان ایرانی مشهود است به این لحاظ در این پژوهش این هدف را به دنبال گرفته‌ام تا با استفاده از یک روش عینی به تحلیل نشانه‌شناسی شناختی تصاویری که کودکان نقاشی می‌کنند دست‌یابم، از آنجا که یکی از روش‌های عینی در خصوص شناخت‌شناسی کودکان، تحلیل تصاویر هنری آن‌ها است، به این لحاظ نگارنده کاربرد روش‌شناسی ویگوتسکی را در تحلیل روان‌شناسی هنر مؤثر دانست. زیرا ویگوتسکی از جمله روان‌شناسانی است که در پی یک روش‌شناسی عینی بود و در این راستا از رویکرد کارل مارکس^۱ (۱۸۸۳-۱۸۱۸) در مورد مسئله‌ی آگاهی متأثر گشت. در واقع مارکس معتقد بود که هنر همانند «آگاهی» در ساختار تاریخی‌اش مورد بررسی قرار می‌گیرد و هنر در فرایند تکامل و تکامل مادی تاریخی مورد توجه واقع می‌شود

1.K.Marx

(مارکس، ۱۳۸۴: ۳۱، ۱۳) از طرفی دیگر ویگوتسکی در تحلیل شناختی از نظام نشانه‌ای به عنوان ساز و کارهای واسطه‌مند، استفاده کرد. بنابراین ما نیز در این پایان‌نامه کوشیده‌ایم تا از روش ویگوتسکی جهت شناخت‌شناسی نقاشی کودکان بهره‌جوییم و شیوه‌ی تحلیلی را به واسطه‌ی نظام نشانه‌ای در هنر نقاشی کودکان بررسی کنیم. در واقع روش ما از کل به جزء است، یعنی از یک نظام نشانه‌ای پیچیده در نشانه‌های تصویری کودکان به سمت شناخت‌شناسی آن‌ها حرکت می‌کنیم. بنابراین در بخش نظری، طرح مسئله‌ی نشانه‌شناسی هنر و ارتباط آن با شناخت‌شناسی می‌پردازیم و سپس گستره‌ی فکری و روش‌شناسی سیستمی ویگوتسکی را بررسی می‌کنیم و به رویکرد ویگوتسکی در خصوص تحلیل هنر و سازوکارهای ناخودآگاه می‌پردازیم و سرانجام ساختار استعاره را در فرایند شناختی انسان ابتدایی بررسی کرده و سپس به آزمون ویگوتسکی در خصوص نشانه‌های تصویری کودکان اشاره می‌کنیم و نقش استعاره و انگیزه را به عنوان یکی از عوامل مهم در شناخت اندیشه‌ی انسان ذکر می‌کنیم و سرانجام در بخش مطالعات موردی به واسطه‌ی آزمون‌های نقاشی از کودکان، به تحلیل نشانه‌شناسی شناختی هنر آن‌ها در ساختار تصاویر استعاری، مطلب را به پایان می‌رسانیم.

در این جا لازم می‌دانم تا از زحمات استاد گرامی‌ام دکتر فرزانه سجودی که در معرفی دانش نشانه‌شناسی سهم بسزایی را در قبال کلیه‌ی دانشجویان ایفا نموده‌اند و مرا در پی‌گیری و اتمام این پژوهش یاری رسانیده‌اند سپاسگزاری کنم و همچنین از زحمات بی‌دریغ استاد مشاورم خانم دکتر آریتا افراشی و مبادرت ایشان در راستای پژوهش‌های نشانه‌شناسی شناختی قدردانی می‌نمایم و از جناب دکتر حبیب الله قاسم‌زاده در خصوص معرفی و ترجمه‌ی آثار ویگوتسکی صمیمانه سپاسگزارم.

۲-۱- طرح مسئله

بحث «نشانه‌شناسی شناختی»^۱ در نقاشی‌های کودکان با مباحثی نظیر ادراکات حسی کودک از طبیعت، مکان و زمان ارتباط دارد که سپس آنها را در قالب یک «دال» تصویری نشان می‌دهد. در این جا نشانه‌شناسی شناختی جهت فهم «مدلول‌ها» یا تصاویر ذهنی کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای این منظور روابط میان رمزگان‌های تصویری کودک بررسی می‌گردد به طوری که جملگی این

رمزگان‌ها با مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در ارتباط است. لذا تمام این کارکردها، دلالت‌ها و رمزگان‌ها ما را به مطالعات شناختی تصاویر رهنمون می‌سازد. هرچند که حوزه کلامی در نظام شناختی کودک نیز بسیار تأثیر گذار است، لذا مجال بررسی حوزه کلامی و زبان شناختی در این پایان‌نامه نیست بنابراین از مباحث زبان‌شناسی چشم پوشیده و بحث خود را به تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر معطوف می‌نماییم. شناخت و تحلیل نمادهای تصویری، مستلزم بررسی مدلول‌های موجود در تصاویر نمادین است، بنابراین جهت تبیین این مسئله به حوزه عینی این تصاویر و هم به مدلول‌های ساخته شده در ذهن آفریننده‌ی تصویر نیازمندیم، زیرا آنچه که مرتبط با حوزه شناخت نشانگان تصویری است، یک رابطه دو سویه، میان اندیشه‌ی انسان و طبیعت می‌باشد یعنی انسان به واسطه‌ی تجربه‌ی عینی در محیط، مفاهیمی را درونی می‌سازد و سپس در بطن تصویر فراقنی می‌نماید. جورج لیکاف^۱، در مقاله خود به نام «نظریه معاصر استعاره» این موضوع را در کارکرد بیان استعاره‌ی کلامی بررسی نمود (لیکاف، ۱۳۸۳: ۱۹۵)؛ ما در این پایان‌نامه سعی می‌کنیم تا از مباحث کلامی چشم پوشیم و مسئله خود را در گستره‌ی تصویری مورد ارزیابی قرار دهیم تا از طریق آن به دانش مفیدی در خصوص شناخت تصویری کودکان دست یابیم، بدین جهت این پژوهش جنبه‌ای کاربردی دارد و در مجموع شامل دو بخش عمده می‌گردد.

الف - بخش نظری ب - بخش عملی

۱-۲-۱- بخش نظری

در این بخش سه مبحث عمده به قرار ذیل مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- مبانی نشانه‌شناسی شناختی ۲- روش‌شناسی ویگوتسکی ۳- هنر در رویکرد ویگوتسکی و سپس ساختار نشانه‌های تصویری را به همراه معنی‌شناختی و جنبه‌ی کاربردی آن در گستره‌ی شناخت مورد بررسی قرار می‌دهیم همچنین در راستای مباحث فوق نظریات نشانه‌شناسانی نظیر سوسور، ساپیر، یاکوبسن، لیکاف و ... را به طور اجمالی بررسی می‌کنیم و به رویکرد پیازه در خصوص فرایندهای «همسان‌سازی^۲» و «همسازسازی^۳» کودکان اشاره می‌کنیم (پیازه و اینهلدر^۴، ۱۳۷۳: ۸) و تأثیر این

1. G.Lakoff
2. Assimilation
3. Accommodation
4. J.Piaget & B.Inhelder

عقاید را در آرای ویگوتسکی دنبال نموده تا از این طریق بتوانیم ابزارها و نظریه های لازمه را جهت تبیین مسائل یاد شده به دست آوریم.

۲-۱- مطالعه‌ی موردی

در بخش عملی پایان نامه کودکانی در گروه سنی (الف) مورد آزمون قرار می گیرند و در این آزمون موضوعاتی را به کودک ارائه می دهیم که شامل موضوعات عینی، عاطفی و اجتماعی است، سپس این آثار را تحلیل کرده و عوامل مؤثر در ساخت نشانه‌های استعاری تصویر و تأثیرات فرهنگی - اجتماعی را مشخص می کنیم، که در این راستا از نظریات ویگوتسکی و لوریا^۱ در خصوص تأثیر انگیزه و معانی ضمنی در ساختار تصاویر استعاری بهره می جویم تا از طریق تحلیل این تصاویر به نتایج ذیل دست یابیم:

۱- عوامل مؤثر در شکل گیری تصاویر ذهنی کودک ۲- عوامل مؤثر در شکل گیری تصاویر استعاری ۳- تأثیر اجتماعی و فرهنگی در نشانه‌های تصویری کودکان
بنابراین طرح مسئله با یک جمع بندی کلی از این مباحث به شرح ذیل مطرح می گردد:
چگونه ساختار نشانه‌های استعاری در تصاویر کودکان قابل تبیین است؟

۳-۱- چارچوب نظری تحقیق

به سبب آنکه بحث نشانه‌شناسی اصولاً بین رشته‌ای است (دینه‌سن، ۷: ۱۳۸۰) بنابراین نشانه‌شناسی تصاویر نیز به ناگزیر مرتبط با سایر علوم خواهد بود؛ از آنجا که مبحث شناخت‌شناسی از سویی با علوم طبیعی و از سویی دیگر با علوم انسانی پیوند دارد (دورتیه^۲، ۱۳۸۴: ۲۳) بنابراین «نشانه‌شناسی شناختی» برخورد دو میان رشته است که باید هر یک را بطور دقیق بررسی نمود تا بتوان از بطن آن طرحی سازمان یافته بدست آورد با توجه به این که علم نشانه‌شناسی در حوزه‌ی طرح‌واره‌های شناختی ذهن نیز گویای بارزی از نحوه‌ی شناخت است (حبیب الله قاسم زاده، ۱۳۳: ۱۳۷۵) و از آن جایی که زبان و اندیشه پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند (ویگوتسکی، ۶۷: ۱۳۸۷) لذا تفکیک نشانه‌های تصویری و زبانی به طور مطلق امکان پذیر نمی باشد. حال اگر مجموعه‌ی A شامل مؤلفه‌های «شناخت‌شناسی» و مجموعه‌ی B شامل مؤلفه‌های «نشانه‌شناسی» باشد، اجتماع این دو

1. A.R.Luria
2. J.F.Dortier

مجموعه در برگیرنده « نشانه‌شناسی شناختی در حوزه‌ی وسیع » و اشتراک آن‌ها « نشانه‌شناسی شناختی در حوزه‌ی محدود » است. با مشخص کردن پارادایم‌های دو محدوده‌ی A و B به روش تطبیقی، قیاسی و استقرایی می‌توان پارادایم‌های جدیدی را بدست آورد، در واقع از آمیزش دو سیستم گسترده‌ی پژوهش «شناخت‌شناسی» و «نشانه‌شناسی» و پارادایم‌های مشترک این دو سیستم «نشانه‌شناسی شناختی» بدست می‌آید. لذا بنیان پژوهش ما نیز در اشتراک این پارادایم‌ها بر روی «شناخت نشانگان تصویری» طرح‌ریزی می‌گردد. به همراه این تعاریف و مفاهیم و بررسی و نقد نظریه‌های ویگوتسکی، بر روی گروهی از کودکان درگروه سنی (الف)، آزمون به عمل می‌آید تا نتایج به‌دست‌آمده را برای راه‌یابی به شناخت کودک فراهم سازد.

۴-۱- سؤال و فرضیه‌ی تحقیق

۴-۱-۱- سؤال

نشانه‌شناسی شناختی نقاشی کودکان چه کارکردی در تحلیل شناختی اندیشه‌ی آن‌ها دارد؟

۴-۱-۲- فرضیه

رشد شناختی کودک در دوره‌های مختلف همراه با گفتاردرونی و اندیشه‌ی تصویری تکامل می‌یابد، بنابراین می‌توانیم از طریق نشانه‌شناسی آثار تصویری کودک، به نشانه‌شناسی شناختی آن‌ها دست-یابیم.

۵-۱- اهداف تحقیق

۱. دست‌یابی به نشانگان شناختی هنر، در کودک ایرانی.
۲. دست‌یابی به فرایند آموزش شناخت و استعداد هنری.
۳. هنردرمانی و روش‌های کاربردی از طریق نشانه‌شناسی شناختی هنر.

۶-۱- کاربردها

۱. بررسی هنر از دیدگاه شناختی
۲. آموزش هنر به کودکان

۳. هنردرمانی و روان‌شناسی هنر

۴. کمک به رشد خلاقیت و ذوق هنری کودکان

۷-۱- ویژگی‌های جدید و نوآوری طرح

این پژوهش به سبب استفاده از چند نوع روش‌شناسی در عرصه‌های مختلف مورد کاربرد واقع می‌گردد؛ نخست روش نشانه‌شناسی، دوم تعمیم آن در روان‌شناسی هنر و سوم شناخت‌شناسی هنر کودک است که این پژوهش برای نخستین بار در کودک ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۱- روش انجام تحقیق

۱. روش تحلیلی - ترکیبی

۲. روش آزمایشی

۳. روش مصاحبه‌ای

۴. روش مشاهده‌ی سیستمی

۹-۱- جامعه‌ی آماری و تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری بر روی گروهی از دانش‌آموزان اول ابتدایی در دبستان معرفت (۲) واقع در منطقه‌ی ۱۲ تهران انجام می‌گیرد و تعداد نمونه‌های آزمون‌شونده شامل دو کلاس ابتدایی که مجموعاً حاوی ۳۸ کودک است و روش نمونه‌گیری به صورت طرح یک موضوع، برای نقاشی انجام می‌شود.

فصل دوم

پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱- مقدمه

آنچه که در مطالب این فصل حائز اهمیت است، شناخت هنر، به مثابه‌ی یک نظام نشانه‌ای جهت تحلیل‌های شناخت‌شناسی می‌باشد، اما پیش از آن‌که به این گزاره دست‌یابیم، ذکر برخی از مقدمات ضروری است، زیرا رویکرد شناخت‌شناسی، یک گستره‌ی تاریخی را سپری کرده است که از روان‌شناسی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و نظریات معاصر شناخت‌شناسی در حوزه‌ی استعاره را تحت پوشش قرار می‌دهد، بنابراین در این فصل تاریخچه‌ی مختصری از گذر روان‌شناسی ساختارگرا، به نشانه‌شناسی و شناخت‌شناسی را شرح می‌دهیم تا به تعامل و ارتباط میان این مباحث، در حوزه‌ی علوم انسانی واقف شویم. سپس با بررسی نظریه‌ی لیکاف به ساختار استعاری نظام نشانه‌ای زبان و در نهایت به درک ساختار استعاری اندیشه پی‌می‌بریم، سپس با بررسی نگرش ویگوتسکی در هنر، نه تنها زبان، بلکه هنر را نیز به عنوان یک نظام نشانه‌ای معرفی می‌کنیم و با نظری اجمالی بر نقد ویگوتسکی از تحلیل ناخودآگاهی هنر در رویکردهای زیگموند فروید^۱ و کارل گستاو یونگ^۲، به پویایی ناخودآگاهی در نشانه‌های هنری پی‌برده تا در مطالب آتی این پژوهش به تحلیل نشانه‌های استعاری در راستای تبیین ناخودآگاه دست‌یابیم.

۲-۲- طرح مسئله‌ی شناخت‌شناسی با رویکردی بر روان‌شناسی و نشانه‌شناسی

ساختارگرا

هدف ما نشانه‌شناسی تصویر تبیین ارتباط میان نشانه‌شناسی با زبان‌شناسی، روان‌شناسی و تصویر است و این که نشانه‌شناسی در یک نظام شناختی چه روابطی را ایجاد می‌کند؟ یا به بیانی ساده تر، چرا نشانه‌شناسی با شناخت‌شناسی در ارتباط است؟

درواقع مفهوم عبارت نشانه‌شناسی شناختی تا حدودی مبهم به نظر می‌رسد زیرا از ترکیب دو دانش نوین نشأت می‌گیرد، یکی دانش نشانه‌شناسی و دیگری دانش شناختی است، که هر یک مکمل دیگری می‌باشد و به دشواری می‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود؛ به عبارت ساده تر می‌توان گفت که شناخت، همان مسئله‌ی ارتباط میان تفکر و جهان خارج می‌باشد، و در این راستا مکاتب و نظریات

1. S.Freud
2. C.G.Jung

مختلفی طرح شده است. این مکاتب مسئله‌ی هوش، شناخت یا آگاهی را از طریق «انطباق محض^۱» ارگانیسم با محیط و یا «سازگاری محض» تلقی کردند و یا در مکاتب تجربی، ساخت‌های فیزیولوژیکی را در نظر گرفتند و سرانجام در نظریه‌ی «گشتالت^۲»، سازگاری و انطباق را به صورت یک کل واحد تلقی نمودند که قابل تجزیه نیست و صرفاً وجود مدارهای ادراکی باعث ارتباط میان ارگانیسم و اشیاء می‌گردد (پیاژه، ۱۳۷۲: ۵۶، ۵۷)، اما روش دیگری که در خصوص مسائل شناختی کاربرد دارد، بواسطه‌ی دانش نشانه‌شناسی است که سپس در مکتب ساختارگرایی باعث تکوین هوش مصنوعی گردید. همچنین دانش نشانه‌شناسی، خود به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود که یکی از این شاخه‌ها، نشانه‌شناسی تصویری است که موضوع پژوهش این پایان‌نامه می‌باشد، در واقع از طریق دانش نشانه‌شناسی، روند پژوهش از خود موضوع آغاز می‌گردد، یعنی کودک برحسب ساخت‌های شناختی خود، تصاویری را بوجود می‌آورد و برای تحلیل این تصاویر، به جای آن که مستقیماً از کودک پرسش شود؛ بواسطه‌ی تجزیه و تحلیل نشانه‌های تصویری، ساختار شناختی آنها تبیین می‌گردد، لذا پیش از آن که به نشانه‌شناسی شناختی هنر تصویری کودک بپردازیم باید تا حدودی با سیر تکوین ساختارهای شناختی و تفکر آشنا شویم، در واقع سیر تکوین ساختارهای شناختی یکی از مسائل حائز اهمیت در مکتب ساختارگرایی بود که به طور اخص در روان‌شناسی ساختارگرایی ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) مورد مطالعه قرار گرفت و بنیان دانش نشانه‌شناسی بواسطه‌ی فردینان-دوسوسور^۳ در این عرصه جایگاه مهمی را به خود اختصاص داد، سرانجام ساختارگرایی در سال ۱۹۶۰ وارد عرصه‌ی نقد و روش‌شناسی شد و تحلیل‌های نشانه‌شناسی به طور اعم در زبان و به طور اخص در ادبیات به صورت یک «نظریه» مطرح گردید. ساختارگرایی در صدد بود تا با روش‌های علمی و تجربی به چگونگی تولید معنا و تأثیرگذاری زبان در اندیشه بپردازد.

فردینان دوسوسور زبان‌شناس ساخت‌گرا با بنانهادن دانش نشانه‌شناسی نقش عمده‌ای در شکل‌گیری اهداف ساختارگرایان در خصوص ارتباط میان اندیشه و تولید معنا در زبان ایفا نمود به این طریق ساختارگرایی به همراه نشانه‌شناسی رشته‌ای نظری را بوجود آورد که در آن وضعیت‌های معنا بررسی می‌شد و منجر به پیوند میان رشته‌های علوم انسانی اعم از فلسفه، تاریخ، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و

1. Addaptation
2. Geshtalt
3. F.de Saussure

انسان‌شناسی گردید (دیویس و فینگ^۱، ۱۳۸۶: ۱۰، ۹). بنابراین در ادامه‌ی مطلب به اجمال معرفت‌شناسی^۲ ساختارگرای پیازه را شرح می‌دهیم، به خصوص که رویکرد وی در رابطه با سیر تکوین فرایندهای شناختی بر بنیان نظریات ویگوتسکی تأثیرگذار است، با این تفاوت که ویگوتسکی اساس فرایندهای شناختی را با یک رویکرد فرمالیستی دنبال نمود. به این لحاظ با وجود تفاوت‌های موجود در دیدگاه پیازه و ویگوتسکی، نمی‌توان اشتراک برخی از رویکردهای آن‌ها را نظیر ارتباط میان اندیشه و زبان در رشد تکوینی و ساختارهای شناختی از نظر دور نگاه داشت^۳.

پیاژه پیش از آن که بنیان نظریات ساختارگرایانه‌ی خود را مطرح نماید، به نقص دیدگاه‌های معرفت‌شناسی پیشین اشاره می‌کند و تأکید دارد که برای شیوه‌های پژوهش، نمی‌توان صرفاً به دو دیدگاه ذره‌گرایانه^۴ و یا کل‌هایی که از ترکیب عناصر شکل‌یافته‌اند اکتفا کرد، و اینکه هیچ‌گونه تجزیه و تحلیلی در خصوص چگونگی تکوین این کل‌ها صورت نگرفته است. از طرفی پیازه دیدگاه سومی نیز ارائه می‌دهد که به ساختارهای عملیاتی اطلاق می‌گردد در واقع این نوع ساختارهای عملیاتی به روابط و نسبت میان اجزا می‌پردازد. اما مسئله‌ی اساسی پیازه در بیان ویژگی ساختارها، معطوف به چگونگی تکوین و پویایی این کلیت‌ها و ساختارها است. (پیاژه، ۱۳۸۶: ۲۹).

بنابراین سه ویژگی عمده برای ساختارگرایی در نظر گرفت:

- ۱- کلیت: بر این اساس عناصر و اجزا یک ساختار صرفاً وابسته به قوانین خود نظام است و خارج از محدوده‌ی ترکیب ساختاری استقلال ندارد و به هیچ عنصر خارجی دیگر وابسته نمی‌باشد.
- ۲- تبدیل‌ها^۵: این خصوصیت حاکی از پویایی اجزا ساختار است و بر این اساس نقدی به کلیت‌های منفک گشتالتی می‌نماید؛ پیازه متذکر می‌شود که تبدیل‌ها لزوماً غیرزمانمند نیستند- نظیر منطق و ریاضیات - بلکه در عرصه‌های زبان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در بستر زمان تحقق می‌یابند، از طرفی این‌گونه تبدیل‌ها را نمی‌توان یک نوع «عملیات» دانست زیرا عمل معکوس به طور

1. R.K.Davis & L.Fieng

2. Epistemology

۳. استدلال نگارنده

4. Atomism

5. Transformation

کامل امکان‌پذیر نیست، بلکه این تبدیل‌ها به صورت تعامل میان پیش‌بینی و پس‌خورد^۱ صورت می‌گیرد. (همان: ۳۲)

۳- خودتنظیم‌کنندگی^۲: این مفهوم عبارت است از خودپایایی و بستار و در واقع بر ذاتی بودن تبدیل‌های درونی دلالت می‌کند و این که هیچ‌گاه این تبدیل‌ها از حدود نظام فراتر نمی‌روند و فقط عناصر نظام را در بر می‌گیرند و از قوانین نظام پیروی می‌کنند (همان: ۳۴) بنابراین پیازنه در بررسی رشد کودک مباحث زیست‌شناسی، تجسم‌ذهنی و زبان را به عنوان شکل‌گیری ساختار شناختی کودک مورد توجه قرار می‌دهد، لذا ویگوتسکی عوامل دیگری نظیر نشانه‌های واسطه‌مند و رویکردهای فرهنگی تاریخی را به روش شناسی ساختاری-سیستمی می‌افزاید و همانند پیازنه روش خود را از طریق آزمون‌های تجربی با کودک آغاز می‌کند. زیرا ویگوتسکی نیز بر این باور است که تحلیل فرایند را باید از خود موضوع آغاز کرد. (کوزولین^۳، ۱۳۸۱: ۱۷). گرچه به نظر می‌رسد ویگوتسکی این نگرش را از فرمالیست‌ها اخذ کرده است، لذا توجه وی به نظام نشانگان و تأثیر این نظام بر ساختارهای رشد ذهنی، نگرش او را از مرزهای فرمالیستی فراتر می‌برد و به روش‌های ساختارگرایی - نه به طور افراطی - مشابه می‌گرداند.

گفتنی است که در مباحث نشانه‌شناسی، اثر به مثابه‌ی یک نظام، روابط اجزاء و قوانین نظام‌مند، همگی در رویکردهای فرمالیستی و ساختارگرایی به طور توأم مطرح‌اند و هدف از آن بنیان یک روش علمی در نظریات هنر و سایر شاخه‌های علوم انسانی است^۴ لذا ساختارگراها نه تنها به چگونگی نشانه‌ها بلکه به نحوه‌ی کارکرد آن در تولید معنا و ذهن نیز توجه می‌کنند. از جمله نشانه‌شناسانی که در بنیان نظریات ویگوتسکی تأثیرگذار بود فردینان دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) است که در سال ۱۹۰۵ توسط کارچفسکی^۵ در مسکو معرفی شد، اما به دلیل ایدئولوژی مارکسیستی وقت و ضدتاریخی بودن این نظریات، با استقبال چندانی مواجه نشد (دوسوسور، ۱۳۷۸: ۳۶۶) اما ویگوتسکی از وی متأثر گردید که این تأثیر در کتاب *اندیشه و زبان*^۶ ویگوتسکی مشهود است. در

-
1. Feedback
 2. Self-regulation
 3. A.Kozulin

۴. برای اطلاعات بیشتر در خصوص فرمالیست‌ها به کتاب «نظریه‌ی ادبیات»، تألیف تزوتان تودوروف مراجعه نمایید.

5. Karchefski

۶. ویگوتسکی، لوسمنوویچ، *اندیشه و زبان*، ۱۳۸۷، ترجمه: حبیب‌الله قاسم‌زاده، تهران، ارجمند.

واقع سوسور زبان‌شناسی را مشمول دانش نشانه‌شناسی دانست و نشانه‌های زبانی را به صورت یک نظام در نظر گرفت که عناصر این نظام بر اساس یک حادثه‌ی تاریخی و روابط متقابل دال^۱ و مدلول^۲ معنادار می‌شوند به طوری که معانی، هیچ ارتباطی با ماهیت واژه یا نشانه‌های آوایی ندارند، بنابراین سوسور به اصل اختیاری^۳ بودن نشانه‌ها تأکید داشت که بر حسب بافت اجتماعی به مفاهیم مختلفی دلالت می‌کنند (همان: ۳۵۷، ۳۶۰) همچنین یکی از نکات مهمی که سوسور بر آن تأکید کرد این بود که نشانه‌ی زبانی از دو وجه روانی برخوردار است؛ که در یک رابطه‌ی متقابل و دیالکتیکی به طور همزمان عمل می‌کنند و از ترکیب تصور صوتی (دال) و تصور ذهنی (مدلول)، نشانه یا دلالت^۴ به وجود می‌آید (همان: ۱۰۴، ۱۰۵) و دال‌ها در یک رابطه‌ی همنشینی^۵، پاره گفتارها را بوجود می‌آورند و در رابطه‌ی جانشینی^۶ مفاهیم و معانی را در ذهن ما تداعی می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۷: ۵۵، ۵۴) بنابراین زبان به عنوان یک واسطه در بیان اندیشه نقش مؤثری دارد و ویگوتسکی نیز بر این موضوع تأکید نمود. از دیگر زبان‌شناسانی که مورد توجه ویگوتسکی قرار گرفت، ادوارد ساپیر^۷ بود، وی زبان را امری فرهنگی و اجتماعی می‌دانست، به طوری که زبان در هر گروهی میراث خاص خود را دارد بنابراین زبان را از جنبه‌های زیست‌شناسی جدا کرده و خاستگاه آن را در نظام اجتماعی مورد بررسی قرار داد. (ساپیر، ۱۳۷۶: ۲۱، ۲۳، ۷۲) در واقع تعریف ساپیر از زبان چنین است: «زبان وسیله‌ای است صرفاً انسانی و غیرغریزی برای ایجاد ارتباط به منظور انتقال افکار، عواطف و آرزوها از رهگذر دستگاهی متشکل از نشانه‌هایی که به طور ارادی تولید می‌شوند» (همان: ۲۶) و این که «زبان وسیله‌ای برای ایفای نقش‌های گسترده‌ی روانی است که مفاهیم و اندیشه‌ها را در سطوح مختلف القا می‌کند» (همان: ۳۴) بنابراین آنچه که ساپیر مطرح نمود در تقابل با رویکردهای تقلیل‌گرایانه‌ی عصب‌شناسانی نظیر ورونیکه^۸ و بروکا^۹ قرار می‌گیرد که نواحی مختص به بیان و تکلم را در نیمکره‌ی چپ مغز شناسایی کردند (نجل رحیم، ۱۳۷۸: ۲۳). ویگوتسکی نیز همانند ساپیر بر وجه اجتماعی فرهنگی زبان

-
1. Signifier
 2. Signified
 3. Arbitrary
 4. Signification
 5. Syntagmatic relations
 6. Paradigmatic relations
 7. E. Sapier
 8. Wernicke
 9. Broca